



۲۰۱۸/۱۲/۰۹



م. اسحاق نگارگر

عقل های به گروگان گرفته شده!



و این عقل های به گروگان گرفته شده!

دیروز در همین فیس بُک خواندم که آقای "سنودن" به حساب خودش رازی دیگر را افشا نموده است و آن اینکه بالاخره بعد از همه هی میدان و طی میدان جناب اُسامه بن لادن در جزیره باها ماس تشریف دارد و سی. آی. ای. برایش ماهانه یک صد هزار دالر معاش میدهد تا بر سر و پای خود باد و هر چه دلش می خواهد عیاشی کند.

نُخست در این ارتباط قصه ای از گذشته های بسیار دور یادم آمد. من در آن روزگار شاگردِ صنفِ ششمِ مکتب ابتدایی سرپل و تحت حمایت برادر بزرگ خود بودم و آن برادرم به اصطلاح آن وقت سرکاتب تحریرات حاکم بود.

برادرم قصه میکرد که در یکی از دهات آن جا قریه دارِ به نام گُل خان کاکا مشغول دوندگی در کارهای مردم خود بود و یکی از کارهایش برای کسانی که پشکِ شان می برآمد و به اصطلاح مجبور بودند که برای خدمت زیر بیرغ بروند مجلا های فوتی تیار می کرد و بدین ترتیب آنان را از خدمت دو ساله عسکری معاف می کرد تا بی خار به کار و بار خود بپردازند. از سستی طالع گُل خان کاکا برای یک تن که او مجلای فوتی درست کرده بود و میخواست او را از عسکری معاف کنند در مجلای او امضای حاکم ضرورت بود و حاکم که به عکس آن مرد خیره میشد بیاد می آورد که این شخص را خود حاکم بدلیل جنگی که در بازار کرده بود توقیف کرده است. از گُل خان کاکا می پرسد:

"گُل خان کاکا دا سری په رښتیا مری دی؟" و گُل خان کاکا هم با اطمینان می گوید: "هو صاحب په خدای کسم چي تیر کال غریب مری شو"

حاکم به حاضر باش خود دستور میدهد که برود و آن مرد را که مجلایش در دست گُل خان کاکا است از توقیف بیاورد.

وقتی مرد را می آرند و گُل خان کاکا او را می ببیند بدون اینکه خود را ببازد به او می گوید: ای آرامی ته خو تیر کال مری وې دا کله بیرته راژوندي شوی؟

حالا آنطور که جناب "سنودن" می فرماید "اوباما" نیز همانند گُل خان کاکا در سراپای جهان جار زد که رهبر القاعده در هیت آباد پاکستان هنگام برخورد با نظامیان امریکا کُشته شد و اینک روسها که شاید پلانهای دیگر داشته باشند از آقای "سنودن" که زیر چتر حمایت روس هاست خواسته اند که با یک دروغ دیگر ذهنیت ها را مغشوش نماید.

ما افغان ها که متأسفانه سخت از انکشاف تفکر انتقادی محروم مانده ایم و هر چیز را که شنیدیم پیش از اینکه بر محک انتقاد بکوبیم باور می کنیم و نیت های غرض آلود دیگران را با آنکه بسیار آزموده ایم کمتر در نظر می گیریم و ساده لوحانه باور می کنیم حال آنکه اگر از معیارهای تفکر انتقادی استفاده کنیم ناگزیر از خود می پرسیم:

(۱) این آقای سنودن در کجاست و چه گونه زندگی دارد؟ آیا او خودش آزادانه آنچه می خواهد می گوید یا روس ها از وجود او استفاده های سیاسی می کنند؟

(۲) آقای سنودن که خود در صحنه حضور نداشت تا با این اطمینان سخن بگوید، پس منبع اطلاع او از کجاست؟

(۳) گیریم که آقای سنودن راست بگوید و "اسامه بن لادن" واقعاً زنده باشد او دیگر چه به درد امریکا می خورد که ماهانه یک صد هزار دالر به او بدهد؟

آیا امریکا هم وقتی برای استفاده های بعدی او را دوباره به صحنه آورد همانند همان گل خان کاکا در برابر ذهنیت عامه مردم جهان می گوید: "ای آرامی ته خوهیت آباد کی وژل شوی وی دا بیا کله او خنکه بیرته راژوندی شوی؟"

سال هاست که وسایل نشراتی غرب ذهنیت مسلمانان را کروگان گرفته و به غلط بدانها تلقین کرده که شما مسلمانان بسیار قوی استید و ما از شما سخت می ترسیم و بنا بر این برضد تان توطئه ها می کنیم و در نتیجه با همین تلقین مسلمانان را به جان همدیگر انداخته است.

مجاهدین افغانستان در کشور خود به خاطر هوس های زودگذر قدرت به جان هم افتادند و بسیار دلچسپ است که هر گروه، گروه مخالف خود را نوکر این یا آن خواند.

روزگاری بود که کمونیست ها گرفتار این بلای بی درمان بودند. در روسیه شوروی از نه نفر عضو بیوروی سیاسی حزب هفت تن نوکر بورژوازی بودند و سر های خود را به خاطر هوس های استالین باختند. در چین بالترتیب لیوشاچی، لن پیاو، دن سیائو پینگ نیز عاملان بورژوازی بودند. در افغانستان خود ما نخست ببرک و شرکاء، بعد نورمحمد تره کی و آخر سر نیز حفیظ الله امین به دلیل پروپاگند های درون حزبی نوکران سی. آی. ای بودند و اکنون این مرض گریبان تنظیم های مسلمان را گرفته است و هیچ کس هم نمی گوید:

"که اگر مسلمانان قوتی داشته باشند، آن قوت در اتحاد و همبستگی شان است نه در این گونه نفاق و پراکندگی! برای من آنچه بر سر "صدام حسین" آمد بزرگ ترین درس عبرت برای مسلمانان است. صدام حسین عالم عالم پول مصرف کرد و به اصطلاح به زور تکنالوژی غرب خود را آقای منطقه ساخت و به تحریک غرب با ایران در افتاد ولی وقتی غرب خواست نه سوپرگن صدام کاری کرد و نه سلاح اتمی داشت و اینک یک بار دیگر یک اتحاد جهانی در برابر داعش خاک در کاسه این خروسک گُلنگی نیز می کند و نتیجه اش سرخوردگی و نومیدی بیشتر برای جوانان مسلمان و باز توسل به تروریزم و کُشتن مردمان بی گناه و باز وسایل نشراتی جهان دشمن های خیالی دیگر می تراشند و باز برای مدتی مغز ها را به گروگان می گیرند. آری:

زیر گردون صد هزاران سر به باد فتنه رفت
کهنه خشتی زین ندامت خانه نشکست و نریخت

فاعتبروا یا اولی الابصار جمعه ۴ دسمبر ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!